

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)

سال سیزدهم، شماره ۴۶ و ۴۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۲

اصول شناخت و روش تحقیق

(با نگاهی به مطالعات تاریخی)

دکتر علیرضا علی احمدی*

دکتر وفا غفاریان**

چکیده

انسان دانش خود را از هستی به دو طریق کسب می‌کند: استنتاج منطقی و تجربه عملی، و "تحقیق" تلاشی آگاهانه و سیستماتیک برای دستیابی به حقیقت هستی است. حقیقت هیچگاه نمی‌تواند به طور کامل بیان شود و ما همواره به تقریبی از آن دسترسی داریم [۱]. پارادایم‌ها واسطه بین انسان و حقایق هستی هستند. انسان به واسطه پارادایم‌هاست که جهان را می‌بیند و آن را برای خود تعریف می‌کند. پارادایم‌ها مبنای برداشت‌ها و اقدام‌های انسان هستند. در یک فعالیت تحقیقاتی باید قبل از هر چیز، پارادایم مناسب موضوع تحقیق مشخص و بدینوسیله بین مبانی فلسفی و متدولوژی تحقیق، سازگاری ایجاد شود. در غیر این صورت (چنانچه موضوع تحقیق در بستر یک رویکرد فلسفی تعریف و کار تحقیق با ابزار رویکردهای دیگر انجام شود)، تحقیق دچار ناسازگاری^۱ خواهد شد.

* عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران

** عضو هیئت علمی دانشگاه مالک‌اشتر

در این مقاله اصول فلسفی و روش‌های تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است و طی آن پارادایم‌های مختلف تحقیق از دید معرفت‌شناسی^۱، هستی‌شناسی^۲ و همچنین روش شناسی^۳ ارائه و با یکدیگر مقایسه می‌شوند. منظور اصلی مقاله این است که محقق را متوجه مبانی و اصول فلسفی تحقیق ساخته و شناخت عمیق‌تری از رویکردهای تحقیق و چگونگی گزینش آنها را فراهم سازد. بدون این شناخت، کار تحقیق ممکن است به یک فرآیند سطحی و شکلی از به کارگیری ابزار تحقیق تنزل یابد.

کلیدواژه‌ها: پارادایم‌های تحقیق، استراتژی‌های تحقیق، روش‌های تحقیق،

تحقیق کمی، تحقیق کیفی

معرفی

از زمانی که فلاسفه یونان قدیم به این واقعیت پی بردند که "حقیقت موضوعات همیشه آن‌گونه نیست که به نظر می‌رسد"، "معرفت شناسی" به عنوان یک علم مورد توجه قرار گرفت. در آغاز قرن بیست و یکم هنوز هم پاسخ این سؤالات برای انسان مبهم است: ماهیت دانش چیست؟ آیا انسان نسبت به هستی معرفت دارد یا نه و اگر دارد معرفت او تا چه حدی قابل اطمینان است؟ انسان چگونه می‌تواند بین مشاهدات خود و حقیقت جهان ارتباط برقرار کند؟ اینجاست که فلسفه "تحقیق" شکل می‌گیرد و تلاش آگاهانه انسان برای دستیابی به "حقیقت" آغاز می‌شود. پروفیسور مارک ایستربی - اسمیت (M. Easterby-Smith) استاد و رئیس مدرسه مدیریت دانشگاه لانکاستر در انگلستان، فلسفه تحقیق را "رابطه بین داده و تئوری" تعریف می‌کند [۲]. پروفیسور ریچارد جسر (R. Jessor) استاد دانشگاه شیکاگو نیز در مقاله خود تحقیق را تلاشی برای توضیح "حقیقت" می‌داند، وی اضافه می‌کند: "هیچ پیشرفتی نمی‌تواند ما را به توضیح کامل حقیقت برساند، حقیقت مطلق از دسترس ما دور است [۳]". انسان در فرآیند تحقیق، گام به گام خود را به حقیقت نزدیک می‌کند و در هر گام به سطح عالی‌تری از معرفت دست می‌یابد. نتایج هر تحقیق، تصویری از

1. Epistemology
2. Ontology
3. Methodology

حقایق را برای انسان ترسیم می‌کند و او را نسبت به گوشه‌ای از بی‌نهایت هستی آگاه می‌سازد. مجموعه این آگاهی‌ها پارادایم‌ها را می‌سازد. پارادایم مجموعه‌ای از باورهای اساسی است که صورتی از جهان هستی را تصویر می‌کند. پارادایم‌ها مبنای برداشت‌ها و اقدامات انسان هستند [۳]. یک تحقیق باید در بستر یک پارادایم مشخص انجام گیرد تا بین مبانی فلسفی (معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی) و متدولوژی و ابزارهای آن سازگاری برقرار شود. این زمینه، آنچه متدولوژی تحقیق را تعیین می‌کند، هدف و پرسش‌های تحقیق است. پای‌بندی به این موضوع تضاد بین فرآیند و نتایج تحقیق را مرتفع خواهد ساخت [۴].

پروفسور ایستربی - اسمیت برای ضرورت درک مبانی فلسفی "تحقیق" سه جنبه مهم را ذکر می‌کند:

الف. درک فلسفه تحقیق به مشخص شدن طرح تحقیق کمک می‌کند: در تحقیق به دنبال گردآوری چه شواهدی باشیم، این شواهد را کجا جستجو کنیم و چگونه این شواهد را برای دستیابی به پاسخ سؤال تحقیق به کار گیریم؟

ب. این امر کمک می‌کند تا محقق از ابتدا تشخیص دهد کدام طرح تحقیق می‌تواند پاسخ‌گوی سؤالات تحقیق او باشد و کدام یک نمی‌تواند.

ج. این امر کمک می‌کند تا محقق به طرح‌هایی متفاوت از تجربیات گذشته خود، حتی طرح‌های تحقیق خلاقانه دست یابد.

بدون یک مبنای فلسفی مشخص، نتایج یک تحقیق ممکن است بی‌معنا و حتی گمراه‌کننده باشد. "نقش فلسفه روشن‌سازی معانی عبارات است [۵]."

یک پارادایم تحقیق از سه جزء اصلی تشکیل می‌شود: معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و روش‌شناسی. "معرفت‌شناسی" شاخه‌ای از فلسفه است که به تئوری "دانش" می‌پردازد. در این علم سؤال می‌شود که چگونه می‌توان جهان را شناخت؟ چه ارتباطی بین محقق و یافته‌های تحقیق وجود دارد؟ این سؤالات به مفهوم دانش و درجه اطمینان آن توجه می‌کند و مسائلی را که پیرامون "درک" انسان از هستی وجود دارد مطرح می‌سازد. "هستی‌شناسی" در مورد ماهیت حقیقت بحث می‌کند. حقیقت مطلق چیست؟ ماهیت حقیقت چگونه است؟ چه ابعادی از حقیقت

واقعاً قابل فهم است؟ "روش‌شناسی" مجموعه‌ای از فرآیندها و قواعد است که در قالب یک نظم سیستماتیک و روش‌های اجرایی، محقق را در جهت پاسخ سوالات تحقیق هدایت می‌کند. روش‌شناسی به پاسخ‌گویی این سوالات می‌پردازد که چگونه می‌توان در مورد جهان، معرفت به دست آورد؟ چگونه می‌توان تشخیص داد که حد دانسته‌های انسان راجع به حقیقت کجاست؟ قبل از انتخاب روش تحقیق و به کارگیری ابزار تحقیق، محقق باید موضوع تحقیق خود را بشناسد و آنرا بر یکی از مکاتب شناختی استوار کند. این مکاتب در قالب پارادایم‌های تحقیق مطرح می‌شوند.

پارادایم‌های تحقیق

در مورد پارادایم‌های تحقیق نظریات متعددی وجود دارد. تقریباً کلیه مکاتب شناختی به نوعی می‌توانند زیربنای پارادایم‌های تحقیق قرار گیرند ولی آنچه به کارگیری دقیق این پارادایم‌ها را محدود می‌کند این است که متناظر با همه آنها "روش و ابزار" مشخصی وجود ندارد. لینکلن و گوبا (Y.S. Lincoln and E.G. Guba) برای تحقیق چهار پارادایم پیشنهاد می‌کنند [۶]:

الف. Positivism: مبتنی بر نهایت رئالیسم است و صرفاً استنتاج نظری و تجربه عملی را مبنای شناخت حقیقت می‌داند.

ب. Post positivism: دستیابی به حقیقت را تنها به میزان تقریبی و احتمالی امکان‌پذیر می‌داند.

ج. Critical Theory: این مکتب حقیقت (مجازی) را ساخته عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی در طول زمان می‌داند.

د. Constructivism: مبنای این پارادایم نسبی‌گرایی است و در آن ساختارهای ذهنی مبنای حقیقت دانسته می‌شود.

در سال ۱۹۹۷ هرون و ریزن (Heron and Reason)، Participatory را نیز به عنوان یک پارادایم تحقیق به این مجموعه افزودند. در این پارادایم حقیقت زائیده مشترک ذهنی‌گرایی و عینی‌گرایی پنداشته می‌شود که از طریق تعامل ذهن با دنیای خارج خلق می‌گردد.

پروفسور ایستربی - اسمیت دو پارادایم از دو سویه طیف رویکردهای فلسفی را مبنای کار تحقیق قرار می‌دهد و متناظر با هر یک، روش و ابزار تحقیق مناسب را پیشنهاد می‌کند. در نظریات ایستربی پوزیتیویسم مبنای فلسفی کلیه روش‌های تحقیق کمی دانسته می‌شود. پوزیتیویسم در سال ۱۸۵۳ توسط آگوست کومت (A. Comte) پیشنهاد شد. در این مکتب تنها "دانش" مبتنی بر "واقعیت‌های قابل مشاهده"، معرفت شمرده می‌شود و بر این اساس دو اصل کلی ارائه می‌گردد:

الف. حقیقت امری واقعی و خارج از ذهن است.

ب. دانش تنها هنگامی ارزش دارد که مبتنی بر این حقیقت خارجی باشد.

پارادایم مقابل پوزیتیویسم، فنومنولوژیسم (Phenomenologism) است که در آن حقیقت صرفاً امری عینی و خارج از ذهن انسان به شمار نمی‌آید بلکه موضوعی ساخته جامعه دانسته می‌شود که توسط مردم معنا یافته است. در این دیدگاه حقیقت به جای یک واقعیت صرفاً خارجی، زاینده برداشت انسان از مشاهدات خود تلقی می‌شود.

در پارادایم پوزیتیویسم به محقق توصیه می‌شود تا صرفاً بر واقعیت‌ها تکیه کند، پدیده را به کوچک‌ترین جزء ممکن تقسیم نماید به دنبال ارتباطات علی باشد، و فرضیه‌های ممکن را فرموله و آزمون کند.

در پارادایم فنومنولوژی از محقق خواسته می‌شود تا به جای صرف واقعیت‌ها به مفاهیم نهفته در آنها توجه کند، تلاش کند تا به چگونگی پدیده پی ببرد، هر وضعیت تحقیق را به عنوان یک کل مورد مطالعه قرار دهد^۱ و برای خلق مفاهیم جدید به دنبال ایده‌های نهفته در داده‌ها باشد.

اصلی‌ترین نقاط قوت پوزیتیویسم و روش‌های تحقیق کمی، گستردگی حوزه اعتبار، صرف زمان و هزینه کم و قابلیت بهره‌برداری در امر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری است و در مقابل عواملی همچون فقدان انعطاف طبیعی، احتمال عدم درک واقعی فرآیند پدیده و ناتوانی در خلق تئوری‌های جدید نقاط ضعف اصلی آن به شمار می‌آید.

روش‌های تحقیق کیفی با تکیه بر پارادایم فنومنولوژی قادر به درک تغییرات پدیده‌ها در طول زمان و خلق تئوری‌های جدید هستند، مفاهیم انسانی را به نحو موثرتری به کار می‌گیرند و نحوه گردآوری داده در آنها طبیعی‌تر است. در عوض زمان‌بر بودن مرحله گردآوری داده و پیچیدگی تجزیه و تحلیل آن و دشوار بودن کنترل فرآیند کار از نقاط ضعف اساسی آنها می‌باشد. جدول ۱ مشخصه‌های اصلی این دو پارادایم را با یکدیگر مقایسه می‌کند.

جدول ۱. مقایسه مشخصه‌های اصلی دو پارادایم پوزیتیویسم و فنومنولوژیسم

| Positivism | Phenomenologism | |
|-------------------------------|-------------------------------|------------------------|
| تحقق مستقل از محقق است | محقق حربی از تحقیق است | رابطه بین محقق و تحقیق |
| آزمون تئوریا از طریق داده‌ها | خلق تئوری از طریق داده‌ها | کارکرد اصلی |
| تعداد زیاد | تعداد محدود | داده‌های مورد مطالعه |
| سنجش صحیح بودن (Verification) | سنجش حقا نمودن (alsification) | اعتباربخشی نتایج تحقیق |

پوزیتیویسم و فنومنولوژیسم نظریه‌های فلسفی متفاوتی در مورد چگونگی شناخت انسان از هستی را مطرح و روش‌های متفاوتی را برای تحقیق پشتیبانی می‌کنند. روش‌های تحقیق کمی اصولاً مبتنی بر رویکرد پوزیتیویسم هستند و در نقطه مقابل روش‌های تحقیق کیفی بر دیدگاه‌های شناختی رویکرد فنومنولوژیسم استوار شده‌اند، هر چند پروفیسور ایستربی - اسمیت خاطر نشان کرده است که در عمل مفاهیم مشترکی بین این دو رویکرد و روش‌های برخاسته از آنها وجود دارد.

استراتژی تحقیق

پس از مشخص شدن پارادایم تحقیق، می‌بایستی برحسب ویژگی‌های تحقیق استراتژی تحقیق انتخاب شود. دکتر رابسون (Robson-1993) در کتاب خود سه استراتژی اصلی برای تحقیق ذکر کرده است: آزمایش^۱، بررسی^۲ و موردکاوی^۱. "آزمایش" رویکردی است که در آن تلاش

1 Experiment
2. Survey

می‌گردد تا متغیرهای محیطی موضوع تحقیق کنترل شود و اغلب هدف آن بررسی روابط علت و معلولی بین متغیرهای تحقیق است. در آزمایش، محیط آزمایش بر اساس طرح تحقیق ساخته و فرضیه تحقیق با سنجش متغیرهای وابسته به آزمون گذاشته می‌شود. رویکرد "بررسی" با استفاده از ابزاری همچون پرسشنامه به گردآوری داده از محیط تحقیق می‌پردازد. در این رویکرد کنترل محیط تحقیق نیز به طراحی پرسشنامه باز می‌گردد و اغلب برای اطمینان از تطابق نتایج با اهداف مورد نظر یک مرحله مقدماتی اجرا می‌شود. استراتژی سوم تحقیق "موردکاوی" است. در این رویکرد "مورد" و یا "موارد" مربوط به موضوع با جزئیات لازم مورد مطالعه قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود تا "چرایی‌های" آن پاسخگویی شود. در این رویکرد ابزار گردآوری داده متفاوتی مانند مصاحبه، مشاهده، پرسشنامه یا رجوع به داده‌های ثانویه قابل استفاده است.

در تعیین استراتژی تحقیق علاوه بر موضوع و شرایط تحقیق، "منظور" از تحقیق نیز مؤثر است. از این دیدگاه سه منظور کلی برای تحقیق وجود دارد. برخی از فعالیت‌های تحقیقاتی به منظور **اکتشاف** انجام می‌گیرند. در تحقیقات اکتشافی محقق تلاش می‌کند تا "چگونگی" یک پدیده را کشف کرده و توضیح قابل قبولی در مورد آن ارائه دهد. تحقیقات اکتشافی مستلزم انعطاف و تمام‌نگری است و مسیر تحقیق در حین کار مشخص می‌شود. گونه دوم این طبقه‌بندی به تحقیقات **توصیفی** باز می‌گردد. در این نوع تحقیق منظور محقق ارائه تصویر واضح و کاملی از موضوع مورد تحقیق است (بدون این که به چگونگی‌های آن پرداخته شود). در بسیاری از فرآیندهای تحقیق، انجام این نوع تحقیق، آغاز بسیار خوبی به شمار می‌آید، هر چند معمولاً به تنهایی مورد نظر نمی‌باشد. منظور سوم از تحقیق **تفسیر** موضوع تحقیق است. در تفسیر یک موضوع تحقیق به کشف ارتباطات علت و معلولی بین متغیرهای مورد نظر پرداخته می‌شود و در صورت لزوم، تأثیر متغیرهای مداخله‌گر کنترل می‌شود. هر یک از این رویکردها در عمل به روش و ابزار خاص خود نیاز دارند. روش و ابزاری که باید متناسب با پارادایم و استراتژی تحقیق انتخاب شود.

روش تحقیق

روش‌های تحقیق اگر چه متعدد و متنوع هستند ولی در یک طبقه‌بندی کلی و اصولی برحسب نوع "داده" مورد تحلیل به دو گروه کلی روش‌های "کمی" و روش‌های "کیفی" تقسیم می‌شوند. **داده‌های کمی** حداقل دارای یک ویژگی قابل سنجش با عدد هستند (۷). بسدیهی است این داده‌ها تنها هنگامی قابل استفاده هستند که این "ویژگی" با موضوع تحقیق ارتباط معنادار داشته باشد. برای تبدیل این ویژگی (ها) به متغیرهای کمی راه‌های متعددی وجود دارد و بدین ترتیب داده مورد نظر به یکی از متغیرهای کمی در مقیاس‌های اسمی، رتبه‌ای، فاصله‌ای و نسبی تبدیل و قابل سنجش با اعداد می‌شود (۸). **داده‌های کیفی** دارای خصوصیتی از موضوع تحقیق هستند که به فهم زمینه مورد نظر کمک می‌کند. این داده‌ها نمایانگر احساسات، جو، رفتار، ارزش‌ها، انگیزه و تعابیر ناشی از موضوع تحقیق می‌باشند.

روش‌های تحقیق کمی بر دیدگاه‌های فلسفی پوزیتیویسیک بنا شده‌اند و از ویژگی‌های از جمله "جزیی‌نگری"^۱ (که در آن خصوصیات جزئی از سیستم با خصوصیات کل سیه می‌یکی دانسته می‌شود) برخوردارند و در نقطه مقابل بر روش‌های تحقیق کیفی، خصوصیات فلسفه فنومنولوژیسم و تمام‌نگری حاکم است. روش‌های کمی از منطق استنتاجی قیاس^۲ بهره می‌گیرند و فرضیه‌ها را از طریق داده‌ها می‌آزمایند و در روش‌های کیفی با تکیه بر منطق استقرا^۳، از مفاهیم نهفته در داده‌ها، فرضیه و تئوری‌ها خلق می‌شوند. (جدول ۲) (۹). نکته مهم و قابل توجه این است که انتخاب روش تحقیق اغلب اختیاری نیست و ماهیت موضوع تحقیق آن را دیکته می‌کند. تحقیق در یک موضوع پیچیده انسانی - اجتماعی (مانند انگیزش نیروی کار، بهره‌وری، مدیریت و ...) که در آن عوامل متعددی از حوزه‌های مختلف علوم مؤثر است نمی‌تواند در حوزه روش‌های کمی و دیدگاه‌های جزءنگری به مفاهیم اثربخشی دست یابد هر چند که کار از نظر متدولوژیک و اعتبار بخشی مورد تأیید قرار داشته باشد و در نقطه مقابل برای موضوعاتی که در آن استنتاج از

1. Reductionism
2. Deduction
3. Induction

طریق استقرا معتبر نباشد، روش‌های کیفی نمی‌توانند اثربخش و مفید باشند و اینجاست که ضرورت حیاتی سازگاری بین مبانی فلسفی و روش‌های تحقیق نمایان می‌شود.

جدول ۲. مقایسه مشخصه‌های اصلی روش‌های کیفی و کمی تحقیق

| عنوان مقایسه | روش‌های کیفی | روش‌های کمی |
|------------------------------------|--------------------------------|-------------------------------|
| مبنای فلسفی | Phenomenologism | Positivism |
| نگرش به حقیقت | Subjective | Objective |
| کارکرد اصلی | خلق تئوری از طریق داده | آزمون تئوری در مقایسه با داده |
| منطق استنتاج | استقراء | قیاس |
| نگرش به پدیده | تمام‌نگری (Holistic) | جزء‌نگری (Reductionism) |
| رابطه روش با زمینه تحقیق | وابستگی زیاد | وابستگی کم |
| نمونه‌برداری | کم و انتخابی | زیاد و تصادفی |
| مراحل نمونه‌برداری و تجزیه و تحلیل | توأم | مستقل از هم |
| دستیابی به نتیجه تحقیق | خودجوش (Emerging) | الزامی (Forcing) |
| فرآیند تحقیق | وابسته به موضوع و نامشخص | گام به گام و مشخص |
| اعتبار سنجی | سنجش خطا نبودن (Palsification) | سنجش صحیح بودن (Verification) |

انتخاب رویکرد مناسب اولین و مهم‌ترین گام در فرآیند تحقیق پس از مشخص شدن زمینه و عنوان تحقیق است. برای این کار می‌بایستی پارادایم و استراتژی تحقیق به درستی معین شوند.

روش تحقیق شامل سه مبحث اساسی است:

الف. ابزار گردآوری داده

ب. ابزار تجزیه و تحلیل داده

ج. شرایط پذیرش نتایج^۱

برای گردآوری داده چهار ابزار کلی پیشنهاد شده است: پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده و استفاده از داده‌های ثانویه. این ابزار به نحو مشابهی در تحقیقات کمی و کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. داده‌های گردآوری شده می‌بایستی برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. ابزار تجزیه و تحلیل کمی عمدتاً بر سنجش تواتر نسبی تکرار پدیده‌ها استوار است (بر اساس نظریهٔ ریشن‌باخ "احتمالات" حد نهایت فرکانس تکرار پدیده‌ها را نشان می‌دهد [۵]). اندازه‌گیری پراکندگی و حد متوسط داده‌ها، سنجش همبستگی، آزمون‌های t و Z و k ، تحلیل واریانس، آزمون کای-دو، آزمون برازش، رگرسیون، آزمون رتبه و علامت و تحلیل عوامل برخی از ابزار معمول در تجزیه و تحلیل کمی داده‌های تحقیق است (جدول ۳). برای انجام این امور نرم‌افزارهای متعددی نیز طراحی شده است که از آن جمله AssiStat، Maple، Mathematica، Matlab، Minitab، SPSS، Stata، Statistica، Statview، SYSTAT و Unistat به عنوان پرکاربردترین آنها قابل ذکر است [۱۰].

در روش‌های کیفی (برخلاف روش‌های کمی) مرحلهٔ گردآوری داده و تجزیه و تحلیل آنها به صورت توأم انجام می‌شود. این یکی از ویژگی‌های گردآوری داده‌های کیفی است که به آن نمونه‌برداری جهت‌دار^۲ (در مقابل نمونه‌برداری تصادفی) و یا نمونه‌برداری نظری^۳ گفته می‌شود. در این رویکرد، زمینهٔ هر نمونه تحقیق بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل نمونه قبلی مشخص می‌شود و بدین لحاظ فرآیند تحقیق کیفی تا اندازهٔ زیادی غیر ساختار یافته و وابسته به زمینه و موضوع تحقیق است. این ویژگی‌ها روش‌های کیفی را متعدد و منعطف ساخته است که از آن جمله به روش‌های زیر اشاره می‌شود (جدول ۳) [۱۱]:

1. Acceptance Criteria
2. Purposive Sampling
3. Theoretical Sampling

جدول ۳. نقشه راهنمای تحقیق

| روش‌های کمی | | روش‌های کیفی | |
|--|---|--|---|
| <ul style="list-style-type: none"> • Positivism • Post-Positivism | | <ul style="list-style-type: none"> • Critical Theory • Constructivism • Phenomenologism | |
| <ul style="list-style-type: none"> • آزمایش (Experiment) • بررسی (Survey) • مورد کاوی (Case Study) | | | |
| <ul style="list-style-type: none"> • پرسشنامه • مصاحبه • مشاهده • داده‌های ثانویه | <ul style="list-style-type: none"> • پرسشنامه • مورد کاوی • مردم‌شناسی • تصویربرداری • مشاهده - مشارکت | <ul style="list-style-type: none"> • Grounded Theory • Content Analysis | <ul style="list-style-type: none"> • سنخش پراکندگی و حد متوسط داده‌ها • سنخش همبستگی • آزمونهای t و Z و f • ANOVA • آزمون کای - دو • آزمون برازش • رگرسیون • آزمون رتبه و علامت • Factor Analysis • Principle Analysis • ... |
| <ul style="list-style-type: none"> • Internal Validity • External Validity • Reliability • Objectivity | <ul style="list-style-type: none"> • Credibility • Transferability • Dependability • Conformability | | |

بارادایم تحقیق

استراتژی تحقیق

گردآوری داده

تجزیه و تحلیل داده

بند اعتبار

رویکرد تحقیق

روش تحقیق

بند اعتبار

الف. مطالعه رفتاری^۱. برای مطالعه رفتاری تعاریف متعددی ذکر شده است. یکی از این تعاریف که توسط راپورت (Rapport) ارائه شده، "مطالعه رفتاری را اقدامی با هدف پاسخگویی عملی به یک مسأله و همچنین توسعه دانش اجتماعی در یک چهارچوب اخلاقی پذیرفته شده ذکر می‌کند". این تعریف به طور مشخص "توسعه دانش اجتماعی" را به عنوان محصول مطالعه رفتاری ذکر کرده و بدین وسیله آنرا از مطالعات کاربردی (که هدف اصلی آن به کارگیری علوم اجتماعی در حل مسائل عملی است) متمایز می‌سازد. مطالعه رفتاری به عنوان یک شیوه یادگیری نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

ب. موردکاوی^۲. موردکاوی دارای معانی متعددی است. یکی از معانی آن بررسی یک موضوع خاص می‌باشد، یک معنی به یک استراتژی تحقیق اشاره دارد و معنی دیگر آن یک روش تحقیق است که در اینجا مورد نظر قرار دارد. موردکاوی یک مطالعه تجربی است که در بستر زندگی واقعی به جستجوی چگونگی یک پدیده می‌پردازد، علی‌الخصوص هنگامی که مرزبندی بین یک پدیده و بستر آن مشخص نباشد (Yin-1994) [۱۲]. موردکاوی در مطالعات مربوط به سازمان‌ها کاربرد گسترده‌ای دارد.

ج. مردم‌شناسی: مردم‌شناسی^۳ نوعی از تحقیق است که به پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد. امروزه این روش در حیطه گسترده‌تری از جمله مسائل سازمانی (علی‌الخصوص سیستم‌های اطلاعاتی) کاربرد یافته است. کارهای قابل توجهی در زمینه طراحی و ارزیابی سیستم‌های اطلاعاتی توسط تیم‌های مرکب از مردم‌شناسان و متخصصین کامپیوتری انجام گرفته است. این کارها در انگلستان و اروپا پایگاه قدرتمندی یافته و در آمریکا نیز رو به رشد است. روش مردم‌شناسی از مشاهده و یادداشت‌برداری تشکیل می‌شود بدون این که برای خلاصه کردن، تعمیم مسائل و با فرضیه‌سازی تلاشی صورت گیرد. سپس این یادداشت‌ها با یک روش مناسب برای دستیابی به مفاهیم و معانی ماورای توضیحات ظاهری، تجزیه و تحلیل می‌گردد. این کار به

1. Action Research
2. Case Study
3. Ethnography

نوعی کشف استنتاجی مفاهیم نهفته در رفتار انسان‌هاست. در مردم‌شناسی محقق می‌بایستی نسبت به موضوع تحقیق نامریی باشد. برای این امر قواعد عملی استاندارد وجود دارد.

د. تصویربرداری. این روش تحقیق شامل به کارگیری تکنولوژی ضبط و پردازش تصاویر است. این پدیده جامد با امکان تجزیه و تحلیل مستقیم تصاویر توسط سیستم‌های کامپیوتری، مزایای انکارناپذیری (نسبت به یادداشت‌برداری) به وجود آورده است. روش مشابه دیگری که با عنوان "تاریخ‌نویسی شفاهی" نامیده شده است ضبط صحبت‌ها و تجزیه و تحلیل آنها برای پی بردن به مفاهیم مرتبط با موضوع تحقیق - در ابعادی که توسط یادداشت‌برداری امکان‌پذیر نیست - را میسر می‌کند. سیستم‌های کامپیوتری امروز امکان پردازش و مفهوم‌یابی^۱ مستقیم مدارک صوتی و تصویری را فراهم ساخته است.

ه. مشاهده - مشارکت. در این روش، محقق به عنوان یکی از اعضای جامعه تحقیق به گردآوری و تجزیه و تحلیل داده می‌پردازد، بدون این که سایر اعضای جامعه تحقیق از نیت و قصد واقعی او مطلع باشند. در این روش داده‌ها به مراتب واقعی‌تر از روش‌های مبتنی بر مصاحبه است و بسته به نقش ظاهری محقق در جامعه تحقیق می‌تواند عمیق و دقیق هم باشد. این روش بر حسب میزان مشارکت محقق در موضوع تحقیق به طیفی مابین مشاهده کامل تا مشارکت کامل قابل تقسیم است، هر چند اتصال دو انتهای این طیف در عمل نادر است. یکی از پیچیدگی‌های این روش خودداری محقق از گرایش‌های فردی^۲ در عین مشارکت در موضوع تحقیق است. طولانی بودن این روش (گاهی تا چندین سال) از دیگر پیچیدگی‌های آن به شمار می‌آید.

و. ایفای نقش. ایفای نقش نوعی از روش مشاهده - مشارکت است، که در آن محقق به راستی جزئی از جامعه تحقیق نیست. در این روش نیز اطلاعات گردآوری شده به مراتب واقعی‌تر، دقیق‌تر و جامع‌تر از روش مصاحبه است و امکان برقراری ارتباط طبیعی محقق و اعضای جامعه تحقیق فراهم می‌گردد. این روش احتمالاً پیچیده‌ترین و مشکل‌ترین روش تحقیق است ولی مزایای قابل توجهی برای فرآیند تحقیق و نتایج کار در بردارد.

1. Mining
2. Outsider Position
3. Insider Position

ز. **جامعه‌سنجی.** این روش یک رویکرد مقایسه‌ای است که تفاوت ویژگی‌های بین دو جامعه را مورد مطالعه قرار می‌دهد. کار تحقیق بر روی افراد و تشابهات و مغایرات بین دو جامعه انجام می‌گیرد و معمولاً یافته‌های تحقیق به صورت نمودار اجتماعی (سوسیوگرام) تلفیق و تحلیل می‌شود.

ح. **مطالعات تاریخی**^۱. مطالعات تاریخی یکی از انواع تحقیقات کیفی است که از طریق تجزیه و تحلیل مدارک مربوط به وقایع گذشته و در صورت امکان مصاحبه با شاهدان واقعه صورت می‌گیرد. مطالعات تاریخی از نظر مدارک مورد مطالعه به چهار گروه اصلی تقسیم‌بندی شده است: مطالعه مدارک اولیه، مطالعه مدارک ثانویه، مطالعه مدارک جاری و گردآوری مجدد مدارک. مطالعات تاریخ‌شناسان عمدتاً بر روی روش اول متکی است که طی آن داده‌های اصیل موجود در آرشیو موزه‌ها، کتابخانه‌ها و یا مجموعه‌های خصوصی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در نقطه مقابل در روش مدارک ثانویه به بررسی آثار دیگر تاریخ‌شناسان پرداخته می‌شود. در روش مدارک جاری داده‌های جاری مربوط به یک پدیده مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و در روش آخر کار تحقیق با گردآوری مجدد داده و مدارک مربوط به یک واقعه تاریخی آغاز می‌شود. در همه این مطالعات استخراج مفاهیم مورد نظر، فرموله کردن و تعمیم یافته‌های حاصل منظور اصلی تحقیق می‌باشد. استنتاجات منطقی در خصوص مقاصد، انگیزه‌ها و شخصیت نقش آفرینان پدیده‌های تاریخی یک محور اصلی برای این گونه مطالعات است. فهم چگونگی پدیده‌ها نیز یک موضوع مهم در مطالعات تاریخی به شمار می‌آید.

ط. **تحلیل ثانویه.** این روش مبتنی بر تجزیه و تحلیل داده‌هایی است که در اصل توسط محقق دیگری و برای تحقیق متفاوتی گردآوری شده است. در این روش، اغلب اضافه کردن داده‌های اولیه به داده‌های ثانویه (برای پر کردن خلاء مربوط به تفاوت موضوعات تحقیق اولیه و تحقیق ثانویه) ضرورت می‌یابد. برای این منظور پایگاه‌های داده‌ای در زمینه‌های مختلف وجود دارد. هر چند بسته به موضوع تحقیق، آرشیو نشریات معتبر، اطلاعات مراکز ثبت (اختراعات، اسناد، اتفاقات) نیز منابع سودمندی برای این روش تحقیق به شمار می‌آیند.

روش‌های تحقیق کیفی اگر چه بسته به زمینه موضوع و نحوه گردآوری داده متفاوت هستند ولی برای تجزیه و تحلیل معمولاً از دو ابزار متدولوژیک استفاده می‌شود:

۱. تحلیل محتوا^۱

۲. نظریه‌سازی^۲

تکنیک **تحلیل محتوا** حد واسطی بین روش‌های تجزیه و تحلیل کمی و کیفی است که در آن محتوای داده‌ها (متن، تصویر، علائم، کلام و ...) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در این روش ابتدا مضامین نهفته در محتوای داده‌ها استخراج و کدبندی می‌شود. و سپس هر یک از این مضامین بر حسب برخی از خصوصیات آن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این خصوصیات معمولاً مواردی نظیر فرکانس تکرار (میزان تکرار در داده‌ها)، جهت‌گیری (سمت اشاره)، شدت (قدرت) و فضای تخصیصی (اندازه محتوا) را شامل می‌شود. تجزیه و تحلیل این خصوصیات به تخصص در موضوع تحقیق نیاز دارد. بدین طریق مفاهیم نهفته در مضامین استخراج می‌گردد. امروزه این تکنیک علاوه بر مطالعات آکادمیک کاربرد گسترده‌ای در تحقیقات قضایی، جرم‌شناسی و تحلیل‌های سیاسی یافته است.

تکنیک **نظریه‌سازی** رویکردی برای استخراج "تئوری" از "داده" است. این روش در سال ۱۹۵۷ توسط گلیسر و استراوس (B.G. Glaser and A. L. Strauss) ابداع شده است. در این روش مفاهیم نهفته در پدیده‌ها استخراج شده و با کشف رابطه آنها با یکدیگر، گروه‌های مفهومی شکل می‌گیرد. درک ارتباط گروه‌ها با یکدیگر و تشخیص گروه‌های اصلی (دارای بیشترین ارتباط با دیگر گروه‌ها) مفاهیم محوری در تبیین پدیده را مشخص می‌سازد. این کار تا مرحله اشباع یعنی جایی که دیگر اضافه کردن داده‌های جدید، مفهوم و یا ارتباط جدیدی را اضافه نکند ادامه می‌یابد و نتیجه کار به عنوان یافته حاصل از داده‌های تحقیق شمرده می‌شود. مبنای استنتاجی این روش استقراء است.

دو تکنیک تحلیل محتوا و نظریه‌سازی متداول‌ترین ابزار تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی هستند، که علی‌رغم شباهت‌های کاربردی از مبانی تحلیلی متفاوتی برخوردار می‌باشند (جدول ۴).

جدول ۴. مقایسه تکنیک‌های تحلیل محتوا و نظریه‌سازی

| نظریه‌سازی | تحلیل محتوا | مبانی تحلیل |
|--------------------|-------------|-----------------|
| تمام‌نگر | جزء‌نگر | نگرش به مسأله |
| برداشت او از مسأله | شمارش تکرار | خط راهنمای محقق |
| استقراء | قیاس | منطق استنتاجی |
| کشف الگو | آزمون فرض | کارکرد |

بر اساس این تکنیک‌ها (علی‌الخصوص نظریه‌سازی) نرم‌افزارهای متعددی طراحی شده است که در امور تحقیقات کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرند. از جمله پرکارترین این نرم‌افزارها می‌توان به Atlas.ti، NUDIST، HyperReserch، TextAnalyst و AnSWR اشاره کرد (۱۳). این نرم‌افزارها در فعالیت‌های آکادمیک و همچنین امور حرفه‌ای به صورت گسترده‌ای استفاده می‌شود.

گزینش پارادایم تحقیق

هر چند برای تحقیق روش‌های متعددی وجود دارد ولی نکته مهم و قابل توجه این است که انتخاب روش تحقیق اغلب اختیاری نیست، ماهیت موضوع تحقیق و شرایط آن، منظور ما از تحقیق و ابعاد آن، درجات آزادی در مداخله و کنترل عوامل مؤثر بر پدیده موضوعات مهمی هستند که پارادایم، استراتژی و روش تحقیق مناسب را مشخص و تعیین می‌کنند.

یکی از عوامل بسیار مهم در تعیین پارادایم تحقیق، ماهیت موضوع تحقیق و شیوه نگرش به حقیقت است. در این مبحث سؤال اصلی این است که آیا با توجه به موضوع تحقیق می‌توان حقایق (مورد نظر فعالیت تحقیق) را در قالب اجزاء تشکیل‌دهنده آن شناخت و تبیین کرد (جزء‌نگری). جزء‌نگری یک شیوه هستی‌شناسی است که در آن به منظور تسهیل کار،

خصوصیات پدیده از طریق تجزیه پدیده به اجزاء و مطالعه تک تک اجزاء مورد مطالعه قرار می‌گیرد [۱۴]. این شیوه که مبنای بسیاری از مطالعات علمی است، یک کار تحقیقاتی پیچیده را به مجموعه‌ای از فعالیت‌های تحقیقاتی ساده‌تر تجزیه کرده و مطالعه آنها را با نظریه‌ها و قوانین سطوح پایین‌تر امکان‌پذیر می‌سازد. ولی آیا همواره خصوصیات یک سیستم واقعی خارج از ذهن (به طور مثال یک پدیده) با جمع خصوصیات اجزای آن قابل توضیح است؟ آیا می‌توان خصوصیات اندام یک انسان را از طریق تشریح سلول‌های بدن توضیح داد و یا نظریات روانشناسی اجتماعی را از طریق تلفیق نظریات روانشناسی فردی به دست آورد؟ آیا می‌توان شناخت اجزاء مرتبط با موضوع تحقیق، بدون در نظر گرفتن ارتباط و تأثیرگذاری متقابل آنها با اجزاء خارج از موضوع تحقیق را شناختی درست و معتبر شمرد؟ آیا تغییر ابعاد پدیده^۱ خصوصیات و بعضاً ماهیت آنرا متفاوت نمی‌سازد؟ هر چند شیوه نگرش جزءنگری به موضوع تحقیق سبب ساده‌شدن دستگاه مطالعاتی و شناخت دقیق اجزاء پدیده می‌شود ولی این امر در پدیده‌های پیچیده، جایی که عوامل متعددی از حوزه مختلف شناختی (علوم) با روابط متقابل، ساختار پدیده را تشکیل می‌دهد امکان‌پذیر نیست. بسیاری از مسائل علوم انسانی به دلیل پیچیدگی و اثرپذیری از عوامل متعدد با روابط غیرخطی و بعضاً نامعلوم مصداق بارزی برای این مفهوم به شمار می‌آیند. در چنین شرایطی مطالعه بر روی پدیده‌های مرتبط با علوم انسانی با شیوه جزءنگری هر چند از نظر روش کار و اعتبار بخشی نتایج مورد تأیید قرار گیرد، به علت ناسازگاری پارادایم تحقیق (پارادایم پوزیتیویستیک) نمی‌تواند به نتایجی با ارزش اطمینانی^۲ بالا منجر شود. دانشمندان فلسفه علم در نقطه مقابل جزءنگری، ساختار "تمام‌نگری"^۳ را پیشنهاد می‌کنند. شیوه تمام‌نگری برای شناخت خصوصیات پدیده به صورت یک سیستم کلی^۴ تلاش می‌کند. این شیوه به جای پرداختن به مطالعه دقیق اجزاء یک پدیده، ایده‌های مرتبطی از کل پدیده را مورد شناسایی قرار داده و آنرا مبنای فهم و توضیح پدیده قرار می‌دهد [۱۵]. واژه تمام‌نگری ابتدا توسط اسموترز (J.C. Smuts-1950) و مطرح شد و توسط آن

1. Problem of Scales
2. Trustworthiness
3. Holism
4. System-Wide

نگرش به پدیده‌ها به صورت یک ساختار (بدنه و یا سازمان کلی) پیشنهاد شد. این نظریه از دیدگاه هستی‌شناسی این گونه بیان می‌شود که اجزاء یک نظریه در رتبه دوم هستی‌شناسی نسبت به کل سیستم قرار دارند و بنابراین بدون در نظر گرفتن ارتباط آن با کل به درستی قابل فهم نیستند. این دیدگاه هستی‌شناسی متناظر با پارادایم فنومنولوژی و روش‌های تحقیق کیفی است و در جایی که پیروی از آن (نگرش تمام‌نگر) ضروری باشد پیروی از پارادایم فنومنولوژی و روش‌های کیفی نیز الزامی می‌شود.

پارادایم فنومنولوژی با یک رویکرد طبیعت‌گرا^۱ فهم پدیده در زمینه خاص خود را دنبال می‌کند و به همین جهت یافته‌های آن وابسته به زمینه تحقیق است. پارادایم فنومنولوژی حقیقت پدیده‌ها را جدا از ساختار اجتماعی آن نمی‌داند و تاکید می‌کند که "حقیقت" توسط تفسیر جامعه از پدیده تعریف می‌شود فلذا نمی‌توان بدون توجه به ساختار اجتماعی یک پدیده به حقیقت آن پی برد. تحقیق بر روی عوامل انگیزشی در یک محیط صنعتی یا مطالعه عوامل مؤثر در بهره‌وری یک سازمان هیچیک نمی‌توانند خارج از تاثیرپذیری و پیچیدگی‌های حاصل از روابط ساختار اجتماعی باشند. حقیقت یکپارچه است و شکستن آن به اجزا ممکن است خطای زیادی را در شناخت پدیده‌های پیچیده ایجاد نماید. پارادایم فنومنولوژی و روش‌های تحقیق کیفی به محقق کمک می‌کند تا پدیده را به صورت یک کل (شامل مسائل اجتماعی آن) مورد مطالعه قرار داده و با درک و فرموله کردن ایده‌ها و مفاهیم نهفته در آن نسبت به رفتار پدیده (در زمینه مربوطه) شناخت حاصل نماید. این پارادایم قادر است تا پدیده را در تمامیت خود با ابعاد پیچیده‌ای مانند احساسات، تمایلات و تفکرات مؤثر بشناسد. اگر نگرش محقق تمام‌نگر باشد و با اتخاذ روش‌های کمی به الگوی خاصی محدود نشده باشد این عوامل به صورت خود جوش^۲ نمایان می‌شوند. حقیقت عیان است اگر دیدگان ما باز باشد. با این دیدگاه عوامل انسانی، عوامل محیطی و سایر عوامل مؤثر همواره به عنوان جزئی از موضوع تحقیق مورد نظر قرار می‌گیرند فلذا یافته‌های تحقیق از اعتبار درونی بهتری برخوردار هستند.

1. Naturalistic
2. Emerging

در پارادایم فنومنولوژی کار میدانی تحقیق با سؤال (سؤالات) کلی آغاز می‌شود و فرضیه‌ها و سؤالات جزئی در طول جریان تحقیق شکل می‌گیرند. این خصوصیات به دلیل ماهیت خود جوش روش‌های کیفی است. در پارادایم پوزیتیویستیک و روش‌های کمی کار میدانی با تکیه بر الگوی تحقیق آغاز و بدین لحاظ حوزه نگرش به الگوی تحقیق محدود می‌شود. بدین ترتیب که چنانچه عوامل و متغیرهای مهمی خارج از الگوی تحقیق وجود داشته باشد، نقش آنها در نتایج تحقیق مفقود خواهد بود. این مسأله اهمیت الگوی تحقیق در روش‌های کمی را تعیین‌کننده و حیاتی می‌سازد تا جایی که انجام یک تحقیق کمی مستلزم (شرط لازم) دسترسی به یک الگوی معتبر، جامع و پذیرفته شده دانسته می‌شود. در فقدان یک الگوی معتبر استفاده از روش‌های کمی می‌تواند با خطای زیادی همراه باشد. "روش‌های کمی هر چند دقیق و قابل تمرکز بر روی اجزای ریز موضوع تحقیق هستند، ولی کاربرد آنها به شرایطی محدود می‌شود که در آن الگوهای معتبری برای آزمون وجود دارد (Farhang-1990). " در چنین شرایطی (فقدان یک مدل تحقیق معتبر و قابل اطمینان) روش‌های کیفی با قابلیت خودجوشی فرضیه‌ها و یافته‌های تحقیق، اطمینان بیشتری را برای فهم رفتار پدیده فراهم می‌سازد.

یکی از نقاط قوت پارادایم پوزیتیویستیک قابلیت سنجش متغیرها و روابط بین آنها به صورت کمی است. این قابلیت نه تنها درک ما از رفتار پدیده را دقیق می‌کند بلکه با پشتوانه روش‌های آماری اعتبار یافته‌ها و همچنین اثبات‌پذیری آنها را تقویت می‌نماید. در نقطه مقابل پارادایم فنومنولوژی و روش‌های کیفی تحقیق قادر به انجام اینکار نیستند. این برتری آشکار روش‌های کمی، به عواملی که با خطای قابل قبولی قابل تبدیل به متغیرهای کمی هستند محدود می‌شود و در مقابل شناخت ما از عوامل غیر قابل تبدیل به متغیرهای کمی را تضعیف می‌کند. تحقیق راجع به کیفیت عملکرد یک سازمان در ابعاد شاخص‌های مالی و یا کیفیت آماری محصولات به خوبی قابل سنجش با متغیرهای کمی است ولی جایی که مطالعه عمیق‌تر فرهنگ کیفیت و بهره‌وری در سازمان مورد نظر باشد بسیاری از عوامل (به دلیل عدم امکان تبدیل آنها را به متغیرهای کمی) از حیطة شناختی روش‌های کمی خارج خواهد شد. مطالعه بسیاری از موضوعات علوم انسانی با

روش‌های کمی امری دشوار و بعید است فلذا در چنین مواردی روش‌های کیفی که به قیمت از دست دادن دقت و اثبات‌پذیری، تصویر معنادار و صحیحی از عوامل مؤثر را در یافته‌های تحقیق منعکس می‌سازند ارجح خواهد بود.

هر چند به دلایل مذکور پارادایم فنومنولوژی و روش‌های کیفی انتخاب مناسبی برای انجام تحقیق در مسائل علوم انسانی تلقی می‌شود لیکن این امر محدودیت‌هایی را نیز به همراه خواهد داشت:

الف. فقدان دقت: روش‌های کیفی به جای متغیرهای دقیق و کمی و روش‌های آماری، با مفاهیم و اصول و روش‌های تحلیلی سر و کار دارند و حاصل کار نیز به جای ارقام و اعداد در قالب مفاهیم و نظریه‌ها بیان می‌شود. واین‌گاردنر (K. E. Winegardner) در مقاله خود پیرامون استفاده از "موردکاوی" برای تحقیقات علمی می‌نویسد: "حاصل یک مطالعه کیفی تا حد زیادی توصیفی است و به جای عدد و رقم در قالب کلمات و تصاویر بیان می‌شود. [۱۶]". در برخی از مقالات استفاده از روش‌های ترکیبی کمی - کیفی مورد بحث قرار گرفته است. این امر تا اندازه‌ای این مسأله را برطرف می‌سازد هر چند باید توجه داشت که دستیابی به نتایج دقیق و کمی به قیمت تضعیف خصوصیات "تمام‌نگری" پارادایم فنومنولوژی خواهد بود زیرا در این مقالات روش ترکیبی تحقیق را مستلزم جهش‌های پی در پی بین دو پارادایم پوزیتیویستیک (با خصوصیات جزءنگری) و فنومنولوژی (با خصوصیات تمام‌نگری) ذکر کرده‌اند.

ب. وابستگی نتایج به زمینه تحقیق: روش‌ها و نتایج یک تحقیق کیفی بر هبنای زمینه موضوع تحقیق شکل می‌گیرند. "رویکردهای فنومنولوژیک مفاهیم و ایده‌های تبیین‌کننده پدیده‌ها را در زمینه پدیده فرموله می‌کنند و بنابراین یافته‌های آن نمی‌توانند مستقل از زمینه تحقیق، تعمیم یابند [۱۷]".

علاوه بر این، استفاده از روش نمونه‌برداری نظری (به جای نمونه‌برداری تصادفی) نیز عامل دیگری برای محدودیت تعمیم‌پذیری یافته‌های مطالعات کیفی به جامعه آماری است. "مهم‌ترین محدودیت روش‌های کیفی این است که نتایج حاصل بر خلاف تحقیقات کمی قابل تعمیم آماری

به جامعه تحقیق نیستند. این محدودیت حاصل دو واقعیت است: اول استفاده از نمونه برداری جهت دار به جای نمونه برداری تصادفی و دوم تعداد محدود نمونه‌ها از نظر آماری [۱۸].

ج. تکرارپذیری: در پارادایم فنومنولوژی "حقیقت" یک ماهیت متأثر از خصوصیات ذهنی بشر دانسته می‌شود. ماهیتی که نمی‌توان آنرا از ساختارهای اجتماعی، ارزش‌ها و واقعیت‌ها مستقل دانست. این پارادایم "صحت" یافته‌های تحقیق را مستقل از "تکرارپذیری" آن می‌داند. "تمام فنومنولوژیست‌ها بر این امر توافق دارند که صورت واحدی از حقیقت متصور نیست، هر شخص می‌تواند به بخشی از حقیقت پی ببرد". اسمیت و هشیوس (Smith & Heshius) عباراتی نظیر "مطالعات ما نشان می‌دهد که ... " یا "نتایج تحقیق مشخص ساخت که ... " را بیان یک تفسیرپذیرسفته شده از حقیقت در زمان و مکان مربوط به خود می‌دانند [۱۹] و بدین لحاظ بر **برداشت‌های متفاوت از یک پدیده** صحنه می‌گذارند. این امر نه تنها در تفسیر داده‌های تحقیق بلکه در درجات آزادی روش‌های تحقیق کیفی نیز مصداق دارد. روش‌های تجزیه و تحلیل کیفی (برخلاف روش‌های کمی) بر قابلیت‌های تحلیلی محقق استوار بوده و از ساختار دقیق، فرآیندی و گام به گام برخوردار نیستند و این امر در جایی که انعطاف و تمام‌نگری (به جای دقت و جزءنگری) مورد نظر باشد یک مزیت به شمار می‌آید.

بدین ترتیب با انتخاب پارادایم فنومنولوژی و روش کیفی برای اجرای یک تحقیق می‌بایستی محدودیت‌های مذکور را نیز به عنوان جزء لاینفک معرفت‌شناسی تحقیق پذیرفت. هر چند که در مسائل علوم انسانی مزایای این پارادایم در مقایسه با پارادایم پوزیتیویستیک و روش‌های کمی انکارناپذیر است.

پارادایم مطالعات تاریخی

مطالعات تاریخی با عبارت "فرآیند سیستماتیک گردآوری و ارزیابی هدفمند داده‌های مربوط به گذشته، برای دستیابی به آثار، علل و روندهای مربوط به حوادث مربوطه" تعریف شده است (J. Nel-1983) [۲۰]. مطالعه تاریخی صرفاً انباشتن اطلاعات مربوط به وقایع گذشته نیست، بلکه درونمایه اصلی این کار تفسیر داده‌ها برای رسیدن به معانی پدیده‌هاست. یک تاریخ‌شناس

در ورای حوادث، به مفاهیم و ارتباط بین آنها می-پردازد و تلاش می کند تا ایده های اصلی مرتبط با هدف تحقیق را کشف کند. پروفیسور ابرین (P. O'Brien) مطالعه تاریخی را زنجیره ای از "شواهد، مفاهیم، تفسیر و معانی" مربوط به یک پدیده در گذشته می داند [۲۱].

چرا مطالعات تاریخی اهمیت دارد. دلیل آن دانش نهفته در پدیده هاست. هرچند پدیده های تاریخی مربوط به گذشته است ولی مفاهیم آن می تواند برای امروز و فردای بشر سودمند باشد. یکی از کارکرد های مهم مطالعات تاریخی تعمیم رفتار حاکم بر حوادث گذشته به جهان امروز است.

برای مطالعات تاریخی روش های مختلفی پیشنهاد شده است. برای نمونه می توان به روش ژوانا نل (J. Nel-1983)، ریموند یانگ (R. young-1987) و پل لیدی (P.D. Leedy-2001) اشاره کرد. دکتر لیدی برای مطالعات تاریخی هشت گام پیشنهاد می کند [۲۲]. این هشت گام عبارتند از:

۱. گردآوری داده
 ۲. ارزیابی و تفسیر داده
 ۳. اعمال ملاحظات مربوط به زمان و فضای تاریخی
 ۴. تطبیق داده با منظور تحقیق
 ۵. تبیین برداشتهای اولیه
 ۶. تأمین شواهد پشتیبان برای برداشتهای اولیه
 ۷. به کار گیری منصفانه شواهد متفاوت با برداشتهای محقق
 ۸. تشخیص نقاط ضعف و اصلاح برداشتهای محقق
- انجام صحیح این مراحل و به کار گیری ابزار شناخت مناسب می تواند یافته های ارزشمندی را در توسعه علوم انسانی حاصل نماید.

یک سؤال اساسی در مطالعات تاریخی امکان دسترسی به "حقیقت" است. در مطالعات تاریخی، حوزه تحقیق از دسترسی مستقیم محقق دور است و قضاوت ها بر مبنای "منابع" در دسترس صورت می پذیرد. یکی از شرایط مهم صحت یافته ها، دسترسی به منابع معتبر و قابل

اطمینان است. علاوه بر این، امکان برداشت‌های متفاوت از یک پدیده نیز می‌تواند منشأ بروز این سؤال اساسی باشد. لاونتال (Lowenthal-1985) مضمون اصلی تاریخ را نه خود رویداد بلکه احساس مردم راجع به رویداد می‌داند [۲۳]. این خصوصیات، پارادایم مطالعات تاریخی را از پوزیتیویسم دور می‌سازد و به مکاتبی که ذهن انسان را واسطه بین درک او از حقیقت می‌داند متوجه می‌کند. از این منظر "تاریخ هیچگاه حقیقت خالص نیست، بلکه این بازتاب حقیقت از ذهن تاریخ‌شناس است که تاریخ را می‌سازد" (Callinicos-1995) [۲۴].

تمام نگرانی نیز از خصوصیات ضروری مطالعات تاریخی است. یک پدیده تاریخی هنگامی می‌تواند به درستی تفسیر و معانی آن درک شود که در تمامی ابعاد مورد مطالعه قرار گیرد. پارادایم فنومنولوژی و روش‌های مرتبط با آن به محقق کمک می‌کند تا حوادث تاریخی را به عنوان یک پدیده کلی، شامل ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن مورد مطالعه قرار دهد و بدین ترتیب تفسیر صحیح تری از رفتار پدیده حاصل می‌گردد.

نتیجه‌گیری

موضوع کلی همه فعالیت‌های تحقیقاتی "حقیقت" است، هر چند عظمت این مفهوم سبب شده است تا هر بار جزئی از آن مورد مطالعه قرار گیرد. مبانی "هستی‌شناسی" و "معرفت‌شناسی" (به عنوان زیربنای فلسفی تحقیق) خود نیز یکی از بیشمار موضوعات تحقیق است که بشر برای دستیابی به حقیقت آنها تلاش می‌کند. عدم دستیابی انسان به لایه‌های عمیق هستی‌شناسی، منشأ بروز مکاتب و مشارب متفاوتی در نگرش به ماهیت حقیقت و چگونگی دستیابی به آن شده است که روش‌های تحقیق گوناگون و (به ظاهر) متضاد یکی از عوارض ملموس آن است. رویکردهایی که هر یک نشانه‌هایی از حقیقت را به همراه دارند.

یک تحقیق، بخش مهمی از اعتبار خود را از تناسب موضوع با زیربنای فلسفی روش به کار گرفته شده (پارادایم تحقیق) می‌ستاند و این مسأله‌ای است که کم توجهی به آن، سبب از دست رفتن جوهره تحقیق و بر جای ماندن صورت و قالب‌های متدولوژیک خواهد شد. انتخاب صحیح پارادایم تحقیق امری حیاتی و مقدم بر انتخاب روش تحقیق به شمار می‌آید و تأمل و صرف

مساعی لازم برای انجام این کار امری قابل تاکید است. یک اشکال اساسی در اینجاست که تکنیک‌های اعتبار بخشی صرفاً به ارزیابی صحت متدولوژی تحقیق می‌پردازند و از مقایسه یافته‌های تحقیق با حقیقت آنچه هست عاجز هستند. دلیل این امر این است که ما حقیقت را نمی‌دانیم و اگر می‌دانستیم دیگر نیازی به تحقیق نبود. هدف از ذکر این پیچیدگی‌ها، جلب توجه بیشتر محققین از شکل و قالب به مفهوم و جوهره تحقیق است. تا به امروز نیز گام‌های (اندک) بشر در جاده بی‌انتهای حقیقت‌جویی مرهون چنین توجهاتی بوده است. آنجا که معارف گوناگون به هم می‌پیوندند و سرچشمه‌ای از وحدت و حقیقت، روح هستی را سیراب می‌کند. سبحان الله عما تصفون | ۲۵].

منابع

قرآن کریم، سوره مبارکه الصافات، آیه ۱۵۹
 اصغرپور محمدجواد، تصمیم‌گیری و تحقیق عملیات در مدیریت، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷،
 صفحه ۴۰

Becker Howard S., The Epistemology of Qualitative Research,

<http://www.soc.ucsb.edu/faculty/hbecker/qa.html>.

Campbell Lisa C., Historical Research Method.

[http:// www.arches.uga.edu/ ~lcampbell/cportfolio/historicalresearch.doc](http://www.arches.uga.edu/~lcampbell/cportfolio/historicalresearch.doc),
 2002.

Committee of the Qualitative Research eonsultants Association, FAQ
 Regarding Qualitative Research, <http://www.qual.com/faq.html>, 1996.

Cook and Reichardt, Quantities Research Methods Online.

<http://don.ratcliff.net/qual/qualquant.html>.

Easterby-Smith M., Thrope Richard, Lowe Andy, Management Research,
 Sage Publication, 1993.p.21.

Fitzpatrick Sarah B., Qualitative Research,

<http://personal.PSU.edu/users/s/b/sbf116/3-Q1-int.htm>.

Hirst A., Dissertation Guideline for students and staff,

<http://www.sbu.ac.uk/sbbskmtg/dissertation/badissertationguide.doc>

Florber Eugene, Qualitative Data Analysis. University of Geneva,

<http://www.unige.ch/ses/sococ/qaul/qual.html>, 1998.

Logical Positivism, <http://utm.edu/research/iep/l/logpos.htm>.

Malcolm Tim, what is the underlying philosophy of Research, and what is the Overall configuration of the Research?,

<http://www.doc.mmu.ac.uk/UNI/FACULTIES/CAA/BAM/tim/papers/researchphilosophy.html>, 1995.

Maldonado R., In search of Truth Through Quantitative Reasoning,

<http://trchim.human.cornell.edu/tutorial/maldon/validity.htm>.

Mattey G.J., Year 2000 Introductory Lecture Notes, Philosophy 102,

<http://www-philosophy.ucdavis.edu/phi102/intro.htm>.

Munslow Alun, History in focus: What is history, <http://www.ihrinfo.ac.uk/ihr/Focus/whatishistory/>

Myers Michael D., Qualitative Research in Information system,

<http://www.z.auckland.ac.nz/msis/isworld>.

Philosophical Foundations in Field Research,

<http://mailer.fsu.edu/~jstakkin/dir/course/home/Geo4930/foundations.pdf>

Qualitative Social Science Research Methodology, Megalinks in Criminal Justice,

<http://www.faculty.ncwc.edu/toconnor/308/3081ec09.htm>, 2001.

Quantitative Vs Qualitative Research, Royal Windsor Society for Nursing Research, <http://www.windsor.igs.net/~nhodgins/quant-qual.html>.

ResearchMethods,

<http://www.edb.utexas.edu/faculty/scheurich/proj1/inquiry.html>

Roberts Andy, A Principled Complimentarily of Methods, the Qualitative Report, Vol 7, No3. <http://www.nova.edu/ssss/QR/QR7-3/robert.html>,2002.

Robertson Beth. What About Historical Research?. University Of Technology. Sydney, 2001.

Ross John. Ways of Approaching Research: Qualitative Design, University of Luton, <http://www.fortunectity.com/greenfield/grizzly/432rra3.htm>,1999.

SPN SoftwareCentral, <http://www.socialpsychology.org/software.htm>,2002

Winegardner Karen E., the case study method of scholarly Research, the Graduate school of America, <http://www.tgsa.edu/online/cybrary/casel.html>.2000.